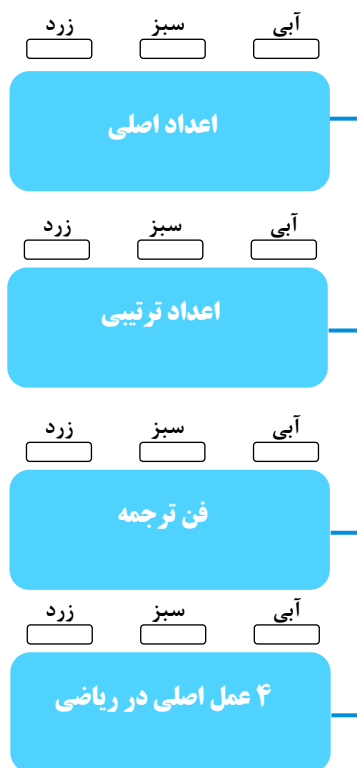




با درخت دانش، گام به گام پیشرفت خود را ارزیابی کنید.

**گام اول:** میزان تسلط خود را با رنگ مشخص کنید.  
آبی: خیلی خوب  
سبز: خوب  
زرد: مسلط نیستیم.  
**گام‌های بعدی:** اگر گام اولتان زرد بود، در نوبت‌های بعدی مطالعه و تمرین، در صورتی که پیشرفت کردید می‌توانید خانه‌های سبز یا آبی را رنگ کنید.



## الدرس الثانی

کلید واژه‌ها:

اعداد اصلی - اعداد ترتیبی - چهار عمل اصلی در ریاضی

## انکم مسؤولون + الأعداد من واحد إلى مئة + في مطار التجف (الدرس الثاني)

در درس دوم، می‌آموزیم که عدد در زبان عربی چگونه به کار می‌رود. عدد را در اولین گام می‌توانیم به دو دسته تقسیم کنیم: «اعداد اصلی» و «اعداد ترتیبی». اعداد اصلی برای شمردن چیزها به کار می‌روند؛ مثل «یک کتاب، دو سیب، سه کاغذ و...». اما اعداد ترتیبی برای بیان ترتیب و ردیف چیزها استفاده می‌شوند؛ مثل: «خیابان اول، کوچه‌ی دوم، خانه‌ی سوم». همچنین باید بدانیم چیزی که شمرده می‌شود «معدود» (یعنی شمرده شده) نام دارد. ابتدا اعداد اصلی را در عربی می‌آموزیم و سپس اعداد ترتیبی را.

### ● اعداد اصلی

ما در زبان فارسی همیشه اول عدد را می‌آوریم و بعد معدود را؛ و عددمان هر چه باشد، معدود را مفرد می‌آوریم؛ مثل «یک کتاب یا ده کتاب». اما در عربی این‌که معدود را چگونه بیاوریم بستگی به این دارد که عددمان چند باشد. بنابراین خوب است اعداد را چند دسته کنیم و بینیم برای هر دسته، معدود را باید چگونه بیاوریم.

#### ۱- دسته‌ی اول، عدد یک و دو هستند:

یک (۱): «واحد، واحدة» که اولی برای معدود مذکر است و دومی برای معدود مؤنث؛  
مثل: «کتاب واحد» (یک کتاب) یا «تفاحة واحدة» (یک سیب).

دو (۲): «اثنان، اثنان» که باز اولی برای مذکر است و دومی برای مؤنث؛  
مثل: «کتابان اثنان» (دو کتاب) یا «تفاحتان اثنان» (دو سیب)

نکته: عدد ۲ یک شکل دیگر هم دارد: «اثنین، اثنین». در این شکل، حرف «الف» تبدیل به «ی» می‌شود.

نکته: الآن باید پرسید چرا در عدد ۱ و ۲، اول معدود آمده و بعد عدد؟! دلیلش این است که در عربی اسمی که مفرد است خودش یعنی یکی! («کتاب» یعنی «یک کتاب»). و اسمی که مثنی است خودش یعنی دو تا («کتابان» یعنی «دو کتاب»). پس خود کلمه، یکی یا دو تا را نشان می‌دهد و دیگر ضرورتی ندارد که عدد را برای شمارش بیاوریم. بنابراین هدف از آوردن ۱ و ۲ فقط تأکید معدود است.

- «کتاب» مساوی است با «کتاب واحد» و «تفاحة» مساوی است با «تفاحة واحدة».

- «کتابان» مساوی است با «کتابان اثنان» و «تفاحتان» مساوی است با «تفاحتان اثنان».

نکته: فقط حواسمان باشد برای معدود مذکر، عدد را هم مذکر بیاوریم و برای معدود مؤنث، عدد را هم مؤنث. اما در رابطه با بقیه اعداد، مثل زبان فارسی اول عدد می‌آید و بعدش معدود.

#### ۲- دسته‌ی دوم، از عدد سه تا عدد ده هستند: (۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰).

اول این اعداد را در زبان عربی مرور کنیم:

۳: ثلاث، ثلاثة / ۴: أربع، أربعة / ۵: خمس، خمسة / ۶: ست، ستة

۷: سبع، سبعة / ۸: ثمانی، ثمانية / ۹: تسع، تسعة / ۱۰: عشر، عشرة

نکته: هر عدد یک شکل مذکر دارد و یک شکل مؤنث. مؤنث با افزودن یک «ة» به آخر عدد ساخته می‌شود.

بپرسید معدود را بعد از این اعداد چگونه بیاوریم؟

برای آوردن معدود بعد از این اعداد، سه قاعده وجود دارد که عجیب به نظر می‌رسند!

الف) معدود، بعد این اعداد به شکل جمع می‌آید! مثلاً «کتاب» را باید «کُتِبَ» بیاوریم و «تَفَاحَةٌ» را «تَفَاحَاتٌ».

ب) عدد و معدود از لحاظ جنس بر عکس می‌آیند! مثلاً برای «کتاب» که مذکر است، باید «ثَلَاثَةٌ، أَرْبَعَةٌ، خَمْسَةٌ...» بیاید و برای «تَفَاحَةٌ» که مؤنث است، باید «ثَلَاثٌ، أَرْبَعٌ، خَمْسٌ...» بیاید.

در نتیجه «سه کتاب» می‌شود «ثَلَاثَةُ كُتُبٍ» و «سه سیب» می‌شود «ثَلَاثُ تَفَاحَاتٍ».

می‌بینید که معدود در هر دو جمع آمده و عدد از نظر جنس بر عکس معدود است!

ج) آخر معدود، حرکت «ـِ» (علامت جرّ) می‌آید (چون مضافاً إليه است). پس: «ثَلَاثَةُ كُتُبٍ» و «ثَلَاثُ تَفَاحَاتٍ».

◀ **نکته:** به اعداد ۱ تا ۱۰ در عربی «اعداد اصلی مفرد» می‌گویند؛ چون یک کلمه‌ای هستند.

◀ **نکته:** برای این که هم‌هاش را حفظ شوید، بیایید و یک نمونه را برای همیشه حفظ کنید! چون بقیه هم مثل همان هستند؛

مثلاً «ثَلَاثَةُ كُتُبٍ» و «ثَلَاثُ تَفَاحَاتٍ» را حفظ کنید. و با استفاده از این الگو برای «وَرَقٌ» (برگه) که مذکر است بنویسید «أَرْبَعَةُ أَوْرَاقٍ» و برای «رِسَالَةٌ» (نامه) که مؤنث است بنویسید «أَرْبَعُ رِسَالَاتٍ».

۳- دسته‌ی سوم، اعداد یازده تا نوزده هستند: (۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹)

این اعداد در عربی به شکل «یک + ده»، «دو + ده»، «سه + ده» ..... «نه + ده» ساخته می‌شوند!

پس این اعداد، جمعی هستند از «۱»، «۲»، «۳»، «۴»، «۵»، «۶»، «۷»، «۸»، «۹» + «۱۰».

حالا اگر بپرسید برای این اعداد، قضیه‌ی مذکر و مؤنث را چه کار کنیم؟

جواب این است که عدد «ده» (عشر، عشرة) مثل معدود می‌آید، یعنی «عشر» برای معدود مذکر و «عشرة» برای معدود مؤنث.

اما بخش اول، یعنی «۱ تا ۹» همان حالت خودشان را دارند که قبلاً خواندیم. قبلاً خواندیم که عدد ۱ و ۲ از نظر جنس مثل

معدودشان هستند و عدد ۳ تا ۱۰ از نظر جنس مخالف معدودشان هستند.

و اگر بپرسید آخر معدود را چه حرکتی بگذاریم؟

جواب این است که آخر معدود را باید «ـِ» (علامت نصب) بیاوریم؛ در نتیجه:

۱۱: «أَحَدٌ عَشْرَ كِتَابًا»، ۱۲: «إِثْنَا عَشْرَ كِتَابًا»، ۱۳: «ثَلَاثَةَ عَشْرَ كِتَابًا»، ۱۴: «أَرْبَعَةَ عَشْرَ كِتَابًا»، ۱۵: «خَمْسَةَ عَشْرَ كِتَابًا»، ۱۶: «سِتَّةَ

عَشْرَ كِتَابًا»، ۱۷: «سَبْعَةَ عَشْرَ كِتَابًا»، ۱۸: «ثَمَانِيَةَ عَشْرَ كِتَابًا»، ۱۹: «تِسْعَةَ عَشْرَ كِتَابًا»

۱۱: «إِحْدَى عَشْرَةَ تَفَاحَةً»، ۱۲: «إِثْنَتَا عَشْرَةَ تَفَاحَةً»، ۱۳: «ثَلَاثَ عَشْرَةَ تَفَاحَةً»، ۱۴: «أَرْبَعَ عَشْرَةَ تَفَاحَةً»، ۱۵: «خَمْسَ عَشْرَةَ

تَفَاحَةً»، ۱۶: «سِتَّ عَشْرَةَ تَفَاحَةً»، ۱۷: «سَبْعَ عَشْرَةَ تَفَاحَةً»، ۱۸: «ثَمَانِيَةَ عَشْرَةَ تَفَاحَةً»، ۱۹: «تِسْعَ عَشْرَةَ تَفَاحَةً»

در هر مورد به کلماتی که زیرشان خط کشیده شده دقت کنید تا ببینید:

۱ و ۲ با معدود هم‌جنس‌اند و ۳ تا ۱۰ جنسی متفاوت دارند. عدد ۱۰ هم همه جا مثل معدود آمده.

◀ **نکته:** در رابطه با عدد ۱۱ و ۱۲ دو نکته مهم هستند:

الف) در عربی هم «واحد، واحدة» می‌تواند معنای «یک» بدهد و هم «أَحَدٌ، إِحْدَى». در عدد ۱۱ از شکل دومش استفاده می‌شود،

پس «أَحَدٌ عَشْرٌ» و نه «واحد عشر»؛ «إِحْدَى عَشْرٌ» و نه «واحدة عشر».

ب) در عدد ۱۲ وقتی «إِثْنَانٌ با عشر» و «إِثْنَتَانٌ با عشرة» جمع می‌شوند، نشان حذف می‌شود: «إِثْنَا عَشْرٌ، إِثْنَتَا عَشْرٌ» و یا با

استفاده از شکل دیگر عدد دو که قبلاً خواندیم: «إِثْنَتَى عَشْرَةٍ» و «إِثْنَتَى عَشْرَةٍ».

◀ **نکته:** به اعداد ۱۱ تا ۱۹ در عربی «اعداد مرکب» می‌گویند؛ چون ترکیب دو کلمه هستند.

◀ **کلید:** ۱۱ و ۱۲ که کاملاً یا مذکرند یا مؤنث و راحتند! اما برای بقیه‌شان، باز دو نمونه را برای همیشه حفظ کنید: مثلاً «ثَلَاثَةُ

عَشْرَ كِتَابًا» و «ثَلَاثُ عَشْرَةَ تَفَاحَةً». قضیه‌ی مذکر و مؤنث در بقیه‌شان هم مثل این دوتا است.

#### ۴- دسته‌ی چهارم، اعداد بیست، سی، چهل ... تا نود هستند: (۲۰، ۳۰، ۴۰، ۵۰، ۶۰، ۷۰، ۸۰، ۹۰)

همان‌طور که ۱۱ از ترکیب «یک+ده» ساخته می‌شد، اینجا هم مثلاً ۲۱ از «یک+بیست» ساخته می‌شود! و بقیه هم به همین ترتیب. پس اول باید اعداد «۲۰، ۳۰، ۴۰، ۵۰، ۶۰، ۷۰، ۸۰، ۹۰» را یاد بگیریم. به این هشت عدد به اصطلاح می‌گویند «اعداد عقود». چون «عقد» یعنی «دهگان یا دهه» و این اعداد هم ده‌تایی پیش می‌روند. اعداد عقود دیگر شکل مؤنث ندارند و همیشه به یک شکل، یعنی به شکل مذکر می‌آیند. اما در عوض یک نکته‌ی دیگر دارند! هر کدام به دو صورت نوشته می‌شوند! به این ترتیب:

۲۰: «عِشْرُونَ، عِشْرِينَ» - ۳۰: «ثَلَاثُونَ، ثَلَاثِينَ» - ۴۰: «أَرْبَعُونَ، أَرْبَعِينَ» - ۵۰: «خَمْسُونَ، خَمْسِينَ»

۶۰: «سِتُّونَ، سِتِّينَ» - ۷۰: «سَبْعُونَ، سَبْعِينَ» - ۸۰: «ثَمَانُونَ، ثَمَانِينَ» - ۹۰: «تِسْعُونَ، تِسْعِينَ»

الآن باید درباره‌ی معدود بپرسید! و جواب: مفرد و با «ـ» (علامت نصب) می‌آید؛ مثل دسته‌ی قبل. در نتیجه:

۲۰: عشرون کتاباً / ثَفَاحَةً، ۳۰: ثلاثون کتاباً / ثَفَاحَةً، ۴۰: أربعون کتاباً / ثَفَاحَةً، ۵۰: خمسون کتاباً / ثَفَاحَةً

۶۰: ستون کتاباً / ثَفَاحَةً، ۷۰: سبعون کتاباً / ثَفَاحَةً، ۸۰: ثمانون کتاباً / ثَفَاحَةً، ۹۰: تسعون کتاباً / ثَفَاحَةً

#### ۵- دسته‌ی پنجم، اعداد بیست و یک تا نود و نه هستند: (۲۱، ۲۲، ...، ۹۷، ۹۸، ۹۹)

حالا می‌رسیم به اعدادی که وسط اعداد عقود قرار دارند، یعنی ۲۱ تا ۹۹. تنها کاری که باید بکنیم این است که اعداد ۱ تا ۹ را با یک حرف «و» به ۲۰، ۳۰، ۴۰ ... ۷۰، ۸۰، ۹۰ وصل کنیم؛ همین! به این شکل:

۲۱: «واحد و عشرون»، ۳۲: «اثنان و ثلاثون»، ۴۳: «ثلاث و أربعون»، ۵۴: «أربع و خمسون»

۶۵: «خمس و ستون»، ۷۶: «ست و سبعون»، ۸۷: «سبع و ثمانون»، ۹۸: «ثمانی و تسعون»

❖ **نکته:** حواستان باشد از ۱ تا ۹ هر عددی را آوردید، باید شرایط جنسش را هم بیاورید! اگر ۱ و ۲ را آوردید باید از نظر جنس مثل معدود باشد، و اگر از ۳ تا ۹ را آوردید باید از نظر جنس بر عکس معدود باشد. مثلاً:

«واحد و عشرون کتاباً»، «اثنان و عشرون کتاباً»، «ثلاثة و عشرون کتاباً» ... «تسعة و عشرون کتاباً»

«إحدى و عشرون ثَفَاحَةً»، «اثنان و عشرون ثَفَاحَةً»، «ثلاث و عشرون ثَفَاحَةً» ... «تسع و عشرون ثَفَاحَةً»

❖ **نکته:** ۱ و ۲ هر جا باشند با معدود هم‌جنس‌اند! اما ۳ تا ۹ هر جا باشند جنسی مخالف با جنس معدود دارند.

❖ **نکته:** یادتان باشد از «عشرون» تا «تسعون» را می‌توانیم به شکل «عشرین» تا «تسعین» هم بنویسیم.

❖ **کلید:** برای این دسته هم یک نمونه را برای همیشه حفظ کنید تا بتوانید بقیه‌ی موارد را مثل الگویی که حفظ کرده‌اید، بسازید؛ مثلاً «ثلاثة و عشرون کتاباً» (مذکر) و «ثلاث و عشرون ثَفَاحَةً» (مؤنث) را حفظ کنید.

❖ **نکته:** این دسته «اعداد معطوف» نام دارند. چون در این دسته، دو عدد با استفاده از حرف «و» به هم عطف (وصل) می‌شوند؛

و معطوف یعنی عطف شده، وصل شده.

#### ۶- حالا کافی است عدد ۱۰۰ را هم یاد بگیرید تا دیگر بتوانید از ۱ تا ۱۰۰ را با معدود بشمارید:

عدد ۱۰۰ می‌شود: «مِائَةٌ» و یا «مِئَةٌ» که برای مذکر و مؤنث به یک شکل می‌آید.

معدودش هم باز مفرد است، اما با حرکت «ـ» (علامت جرّ) می‌آید. به این شکل: «مِائَةٌ کتابٍ»، «مِائَةٌ رسالةٍ».

### ● اعداد ترتیبی

اعدادی که تا این‌جا آموختیم «اعداد اصلی یا شمارشی» بودند که برای شمارش چیزها به کار می‌روند؛ مثل «یک، دو، ... ده، یازده، ... نوزده، بیست». اما اعداد می‌توانند برای بیان ترتیب چیزها هم به کار بروند؛ و مثلاً این‌گونه باشند: «یکم، دوم، ... دهم، یازدهم، ... نوزدهم، بیستم» به این شکل از اعداد «اعداد ترتیبی» می‌گویند.

### اعداد مفرد (۱ تا ۱۰) به شکل ترتیبی:

اعداد ترتیبی از یک تا ده به این شکل هستند: (در گیومه شکل مؤنث‌شان هم آمده)  
 یکم: «الأول، الأولى» - دوم: «الثاني، الثانية» - سوم: «الثالث، الثالثة» - چهارم: «الرابع، الرابعة»  
 پنجم: «الخامس، الخامسة» - ششم: «السادس، السادسة» - هفتم: «السابع، السابعة»  
 هشتم: «الثامن، الثامنة» - نهم: «التاسع، التاسعة» - دهم: «العاشر، العاشرة»

◀ **نکته:** به جز عدد «یکم»، بقیه‌ی اعداد ترتیبی بر وزن «الفاعل» می‌آیند و مؤنث‌شان یک «ة» هم آخرش دارد.

◀ **نکته:** در حالت ترتیبی، همیشه اول معدود می‌آید و بعد عدد ترتیبی؛ دقیقاً مثل فارسی. عدد و معدود از لحاظ جنس مطابقت دارند؛ این‌جا اعداد ترتیبی صفت هستند؛ مثل:

درس: «الدرس الأول / الثاني / الثالث / الرابع ...» - نامه: «الرسالة الأولى / الثانية / الثالثة / الرابعة ...»

◀ **نکته:** برای بیان ساعت، از اعداد ترتیبی استفاده می‌شود:

«ساعت یک، دو، سه، چهار، ...»: «الساعة الأولى، الثانية، الثالثة، الرابعة، ...»

### اعداد مرکب (۱۱ تا ۱۹) به شکل ترتیبی:

اعداد ۱۱ تا ۱۹ باز با جمع «۱ تا ۹» + «۱۰» ساخته می‌شوند؛ (در گیومه شکل مؤنث‌شان هم آمده)  
 یازدهم: «الحادي عشر، الحادية عشرة» - دوازدهم: «الثاني عشر، الثانية عشرة» - سیزدهم: «الثالث عشر، الثالثة عشرة»  
 چهاردهم: «الرابع عشر، الرابعة عشرة» - پانزدهم: «الخامس عشر، الخامسة عشرة» - شانزدهم: «السادس عشر، السادسة عشرة»  
 هفدهم: «السابع عشر، السابعة عشرة» - هجدهم: «الثامن عشر، الثامنة عشرة» - نوزدهم: «التاسع عشر، التاسع عشرة»

◀ **نکته:** قبلاً عدد ۱ را به دو شکل دیدیم: «الواحد، الواحدة» برای عدد یک و «الأحد، الإحدى» برای عدد یازده، اینجا شکل سوم از عدد یک را بیاموزید: «الحادي، الحادية» برای عدد یازدهم.

◀ **نکته:** از یازدهم که بگذریم، در بقیه ابتدا همان «۱ تا ۹» به شکل ترتیبی‌شان می‌آیند و بعد «عَشْرَ یا عَشْرَةَ».

◀ **نکته:** باز هم اول معدود می‌آید و بعد عدد. از نظر جنس هر سه‌شان مثل هم می‌آیند:

«درس یازدهم، دوازدهم، سیزدهم ...»: «الدرس الحادي عشر / الثاني عشر / الثالث عشر ...»  
 «نامه یازدهم، دوازدهم، سیزدهم ...»: «الرسالة الحادية عشرة / الثانية عشرة / الثالثة عشرة ...»

### اعداد عقود (۲۰، ۳۰، ۴۰، ۵۰، ۶۰، ۷۰، ۸۰، ۹۰) به شکل ترتیبی:

شکل ترتیبی از اعداد عقود، همان شکل اصلی یا شمارشی آن‌هاست: (که دیگر مؤنث ندارند)  
 بیستم: «العشرون، العشرين» - سی‌ام: «الثلاثون، الثلاثين» - چهلیم: «الأربعون، الأربعين»  
 پنجاهم: «الخمسون، الخمسين» شصتم: «الستون، الستين» - هفتادم: «السبعون، السبعين»  
 هشتادم: «الثمانون، الثمانين» - نودم: «التسعون، التسعين»

◀ **نکته:** باز هم اول معدود و بعد عدد: «الدرس العشرون، العشرين»... «الرسالة العشرون، العشرين»...

## ● فن ترجمه

می‌دانیم که در زبان فارسی، بعضی فعل‌ها با یک حرف اضافه به کار می‌روند؛ مثل «به او سلام کردم». به همین شکل، در زبان عربی هم بعضی فعل‌ها با حرف جرّ به کار می‌روند؛ مثل «سَلَّمْتُ عَلَيْهِ». اکنون بدانید در زبان عربی ممکن است وقتی یک حرف جرّ به فعل اضافه شود، معنای فعل را تغییر دهد. یعنی گاهی فعل به تنهایی می‌آید و یک معنی می‌دهد و سپس همراه با حرف جر می‌آید و معنای دیگری می‌دهد.

مثلاً «قَامَ» یعنی «ایستاد، برخاست، بلند شد».

**مثال** «قَامَ التَّلْمِيذُ»: «دانش‌آموز ایستاد.» و یا «قَامَ الطِّفْلُ مِنَ النَّوْمِ»: «کودک از خواب برخاست.»

اما «قَامَ + بِ» یعنی «به ... اقدام کرد، پرداخت، عمل کرد» مثلاً: «قَامَ التَّلْمِيذُ بِالْكِتَابَةِ»: «دانش‌آموز اقدام به نوشتن کرد.» / «يَقُومُ الْمَدِيرُ بِتَوْزِيْعِ الْجَوَائِزِ»: «مدیر به توزیع جوایز اقدام می‌کند.»

پس «القیام» یعنی «ایستادن، برخاستن، بلند شدن» و «القیام بِ» یعنی «اقدام کردن به، پرداختن به، عمل کردن به»

«جاءَ: آمد» ← «جاءَ بِ: آورد»: «جاءَ أخی و جاءَ بِکتابٍ لی» یعنی «برادرم آمد و کتابی برایم آورد.»

«ذَهَبَ: رفت» ← «ذَهَبَ بِ: بُرد»: «ذَهَبَتِ أختی و ذَهَبَتِ بِدَفترِها» یعنی «خواهرم رفت و دفترش را بُرد.»

## ● چهار عمل اصلی در ریاضی

می‌دانیم که «جمع (+)، تفریق (-)، تقسیم (÷)، ضرب (×)» چهار عمل اصلی در دانش ریاضی هستند.

به این چهار عمل در زبان عربی به ترتیب می‌گویند: «الجمع (+)، الطرح (-)، التّقسیم (÷)، الضرب (×)»

حالا باید ببینیم این عملیات در جمله چطور بیان می‌شوند:

در فارسی می‌گوییم: (+) ... به‌اضافه‌ی ... (-) ... منهای ... (÷) ... تقسیم بر ... (×) ... ضرب در ...

و در عربی می‌گوییم: (+) ... زائد ... (-) ... ناقص ... (÷) ... تقسیم علی ... (×) ... ضرب فی ... یا فی ...

به «=» نیز در فارسی می‌گوییم «علامت تساوی» و در عربی «عَلَامَةُ التَّسَاوِي»

حالا تمرین می‌کنیم:

$$6 = 3 \times 2 \leftarrow \text{إِثْنَانُ ضَرْبٌ فِي ثَلَاثٍ يُسَاوِي سِتًّا}$$

\* (می‌توان کلمه‌ی «ضرب» را حذف کرد: إِثْنَانٌ فِي ثَلَاثٍ يُسَاوِي سِتًّا)

$$90 = 40 + 50 \leftarrow \text{خَمْسُونَ زَائِدٌ أَرْبَعِينَ يُسَاوِي تِسْعِينَ}$$

$$88 = 100 - 12 \leftarrow \text{مِئَةٌ نَاقِصٌ إِثْنَى عَشَرَ يُسَاوِي ثَمَانِي وَ ثَمَانِينَ}$$

$$7 = 11 \div 27 \leftarrow \text{سَبْعٌ وَ سَبْعُونَ تَقْسِيمٌ عَلَيَّ أَحَدَ عَشَرَ يُسَاوِي سَبْعًا}$$

## جدول اعداد اصلی

اعداد معدود	جنس معدود	معدود (مفرد/جمع)	عدد
إعراب یکسان با عدد	مطابق با عدد	عدد و معدود مثل هم	۱ و ۲
جمع و مجرور (مضاف إليه)	بر عکس عدد	جمع	۳ تا ۱۰
مفرد و منصوب	مطابق با یکان و دهگان	مفرد	۱۱ و ۱۲
مفرد و منصوب	برعکس یکان و مطابق با دهگان	مفرد	۱۳ تا ۹۹
مفرد و منصوب	یکسان برای مذکر و مؤنث	مفرد	۲۰، ۳۰ ... ۸۰، ۹۰
مفرد و مجرور	یکسان برای مذکر و مؤنث	مفرد	۱۰۰

## جدول اعداد ترتیبی

اعداد معدود	جنس معدود	عدد
إعراب عدد، همان إعراب معدود	مطابق با عدد	یکم تا دهم
إعراب عدد، همان إعراب معدود	مطابق با یکان و دهگان	یازدهم تا نوزدهم
إعراب عدد، همان إعراب معدود	هر دو جزء عدد، مطابق معدود	۱۱ و ۱۲

## سوالات تشریحی

بارم	«سوالات»	ردیف
۷	<p>ترجمه إلى الفارسيّة:</p> <p>الف) «إني رأيتُ أحدَ عشرَ كوكباً و الشَّمْسَ و القمرَ رأيتُهُمُ إلى ساجدين ...»</p> <p>ب) المرافقُ العامّةُ هي الأماكنُ التي تملكها الدولة، و ينتفعُ بها الناسُ جميعاً.</p> <p>ج) ألا تنصّحونَ من يرمي الثّفاياتِ في غيرِ مكائنها بكلامٍ طيّبٍ؟</p> <p>د) هل تعلمُ أنّ النملةَ تقدّرُ على حُمْلِ شَيْءٍ يفوقُ وزنها خمسينَ مرّةً؟</p> <p>هـ) لا ترمي الثّفاياتِ في غيرِ مكائنها كمواطنينِ يشعرونَ بالمسؤوليّةِ.</p> <p>و) الطالبُ الذي يدخلُ مَكْتَبَةَ المَدْرَسَةِ فُتْحافِظْ على الهدوءِ فيها.</p> <p>ز) كانتُ أختي الصّغيرةُ تقومُ بتلوينِ رسمِهِ الجَميلِ.</p>	۱
۲	<p>الف. ترجمه ما تحت خطّ:</p> <p>۱. كتابه حديث كـ «إنكم مسؤولون حتى عن البقاع و التّهائم»، على لوحه جدارية إقتراح حسن.</p> <p>۲. شعب إيران شعب مضاف.</p> <p>۳. طول قامة الزرافة ستة أمتار.</p> <p>ب. عین المترادف و المتضاد ( = ، ≠ ):</p> <p>۱. فتح ... إغلاق</p> <p>۲. مدينة ... بلد</p>	۲
۲	<p>عین التّرجمة الصّحيحة:</p> <p>الف. كانت المديره و بعض المدرّسات ينتظرن أن تُفرغ المدرّسه من الطّالبات: مدير و بعضی از معلمان.....</p> <p>۱. منتظر می شدند که مدرسه از دانش آموزان خالی شود. □</p> <p>۲. در انتظار خالی شدن مدرسه از برخی شاگردان بودند. □</p> <p>ب. تقوم أكثر الأمهات بطبخ الطعام للأسرة كل يوم.</p> <p>۱. بیشتر مادران هر روز برای خانواده به پختن غذا می پردازند. □</p> <p>۲. مادران اغلب به پختن غذای روزانه برای خانواده می پردازند. □</p> <p>ج. الكلبُ يقدرُ على سماعِ صوتِ السّاعةِ عن بُعدٍ أربعينَ قدماً.</p> <p>۱. سگ قدرت شنیدن صدای دورتر از مسافت چهل قدمی را دارد. □</p> <p>۲. سگ می تواند صدای ساعت را از فاصله‌ی چهل قدم بشنود. □</p> <p>د. عُمرُ جدّي ستّة وثمانون عاماً.</p> <p>۱. پدر بزرگ من هشتاد و سه ساله است. □</p> <p>۲. سن پدر بزرگم هشتاد و شش سال است. □</p>	۳



۴	كَمَلِ التَّرْجَمَةَ: المستشفيات و المَتَاجِفُ و المَكْتَبَاتُ و الحدائقُ العامَّةُ و الأشجارُ على الرِّصيفِ أمثلة للمرافق العامَّة. بیمارستان‌ها و ..... و ..... و پارک‌ها و درختان بالای ..... نمونه‌هایی از ..... عمومی هستند.	۱
۵	عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَ الخَطَأَ بعد قراءة النصِّ بِدِقَّةٍ: سَمِعْتُ سَمِيئَةَ صَوْتَ مَكِّيْفِ الهَوَاءِ مِنْ إِحْدَى الخُجْرَاتِ، وَ شَاهَدَتِ المَصَابِيحَ مِنَ التَّوَائِدِ، فَظَنَنْتُ أَنَّ طَالِبَاتِ الصَّفِّ الأَخْرَ فِي حِصَّةِ تَقْوِيَةٍ أَوْ بِمَارِسِنَ نَشَاطاً خُرّاً؛ وَعِنْدَمَا نَظَرْتُ بِدِقَّةٍ، وَجَدْتُ الحُجْرَةَ فارِغَةً. حَاوَلْتُ فَتْحَ البَابِ، فَوَجَدْتُهُ مُغْلَقاً فَذَهَبْتُ إِلَى مُدِيرَةِ المَدْرَسَةِ، وَ أَخْبَرْتُهَا بِمَا شَاهَدْتُ. المَدِيرَةُ طَلَبَتْ مِنْهَا اطفاء المصابيح و مكيف الهواء. عِنْدَئِذٍ شَاهَدْتُ المَدِيرَةَ طَالِبَةً بِاسْمِ فَاطِمَةَ أَيْضاً ذَهَبَتْ لِإِغْلَاقِ الحَنْفِيَّةِ الَّتِي كَانَتْ مَفْتُوحَةً قَلِيلاً. وَ فِي اليَوْمِ التَّالِيِ، شَكَرْتُهُمَا المَدِيرَةَ فِي الإصْطِفَاءِ الصَّبَاحِيِّ لِاهْتِمَامِهِمَا بِالمَرافِقِ العَامَّةِ. ۱. ذَهَبَتْ المَدِيرَةُ نَفْسُهَا لِاطفاء المصابيح و المَكِّيْفِ. ۲. ظَنَنْتُ سَمِيئَةَ أَنَّ فِي الصَّفِّ طَالِبَاتٍ وَلَكِنَّهُ كَانَ فارِغاً. ۳. شَاهَدْتُ المَدِيرَةَ الطَالِبَةَ الَّتِي كَانَتْ تَذْهَبُ لِإِغْلَاقِ الحَنْفِيَّةِ. ۴. شَكَرْتُ المَدِيرَةَ فِي الإصْطِفَاءِ الصَّبَاحِيِّ جَمِيعَ التَّلَامِيذِ.	۲
۶	أَيُّ كَلِمَةٍ تُناسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ: ۱. الأقيامُ بِعَمَلٍ بِتَحَرُّكٍ وَ سُرْعَةٍ < النِّشَاطُ / الدَّوَامُ ۲. أَلَةٌ لِنَقْلِ الأَصْوَاتِ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ < الحِصَّةُ / الهَاتِفُ ۳. نَقُولُهُ عِنْدَ تَشْجِيحِ الَّذِي أَحْسَنَ عَمَلاً < أَحْسَنْتَ / قامَ بِهِ ۴. فِي المَسَابِقَاتِ يَأْخُذُ جَائِزَةً ذَهَبِيَّةً < الفائزُ الثَّانِي / الفائزُ الأوَّلُ	۱
۷	الف. عَيِّنِ فِي الفِراغِ عَدَدًا تَرْتِيبِيًّا مَناسِبًا ۱. اليَوْمُ الـ ..... مِنْ أَيْامِ الأَسْبوعِ يَوْمَ الخَمِيسِ. ۲. الفِصْلُ الـ ..... فِي السَّنَةِ الإِيرانِيَّةِ فَصْلُ الخَرِيفِ. ب. أَجِبْ عَنِ العَمَلِيَّاتِ الحِسابِيَّةِ: مِئَةٌ ناقِصٌ أَحَدٌ عَشَرَ يُساوِي تِسْعَةً وَثَمَانِينَ. .... = ۱۱ - .....	۱
۸	ضَعِ فِي الفِراغِ الضَّمِيرَ المَناسِبَ، ثُمَّ تَرجمها: ۱. ... لا تَصْرُخِينَ. ۲. ... كَانَتْ تُقَدِّفُ. ۳. ... ما وَجَدْتَنِي. ۴. ... سَوفَ تَكْتُمُونَ.	۲
۹	عَيِّنِ العَدَدَ الصَّحِيحَ أَوْ المَعْدودَ الصَّحِيحَ لِلْفِراغِ: ۱. لِي أُخْوَانِ اثْنانِ وَ أُخْتانِ ... (اثْنان - واحد) ۲. يَدْرُسُ تَلَامِيذُ مَدْرَسَتِنَا فِي ... صَفوفٍ. (عَشْرَةٌ - العاشِرِ) ۳. أَرْبَعَةٌ وَعِشْرُونَ زائِدٌ وَ واحِدٌ وَ ثَلَاثِينَ يُساوِي ... (خَمْسَةٌ وَخَمْسِينَ - سَبْعَةٌ) ۴. خَمْسَةٌ ... وَاقِفُونَ حَوْلَ السَّاحَةِ. (جُنودٌ - جُنْدِيانِ)	۱
۱۰	ضَعِ فِي الفِراغِ كَلِمَةً مَناسِبَةً مِنَ الكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ: (كَلِمَتانِ زائِدَتانِ) مِضِيافٌ - فارِغَةٌ - المُشاةُ - الرِّصيفُ - أُعمِدَةٌ - أَلْفٌ ۱. ﴿ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلى قَوْمِهِ قَلْبِثَ فِيهِمْ ... سَنَةً إِلا خَمْسِينَ عَاماً ﴾ ۲. عَلَيْنَا بِالْعَبورِ مِنْ مَمَرٍ ... ۳. ... جَانِبٍ مِنَ الشَّارِعِ لِمُرورِ النَّاسِ. ۴. لَيْسَتْ فِي الفُنْدُقِ حُجْرَةٌ ...	۱

## سوالات تشریحی کمه دشوارتر

ردیف	«سوالات»	بارم				
۱۱	<p>ترجمه إلى الفارسیة:</p> <p>الف) «... و يقولون سبعة و ثمانهم كلهم قل ربی اعلّم بعدّتهم ما یعلّمهم إلاّ قليل...»</p> <p>ب) لا یحتاج إلى حصّة التقویة التلمیذ الذي یقوم بواجباته فی الدوام المَدْرَسی.</p> <p>ج) هل تعلم أن الغراب یعیش عشرين سنة إلى ثلاثین أو أكثر؟</p> <p>د) شكّرت المَدیرة التلمیذات فی الاضطفاف الصّباحی لاهتمامهنّ بالمرفاق العامة.</p>	۴				
۱۲	<p>ترجم ما تحته خط:</p> <p>۱- هو یقوم بإغلاق حنّفة الماء التي كانت مفتوحة قليلاً.</p> <p>۲- نرجع إلى البیت بعد انتهاء الدوام الدّراسی.</p> <p>۳- الأفتراح إغطاء حلّ و بیان طريقة للقیام بعمل.</p> <p>۴- الحفاظ علی المرفاق العامة واجب علی كلّنا.</p>	۱				
۱۳	<p>الف - عین الترجمة الصّحيحة:</p> <p>قام أخی الصّغير من النوم فی السّاعة السّادسة إلاّ ربّعا.</p> <p>۱. برادر کوچکم ساعت یک ربع به شش از خواب برخاست.</p> <p>۲. برادر خردسال من ساعت شش و ربع به خواب رفت.</p> <p>ب - کمل الترجمة: إنکم مسؤولون حتی عن البقاع و البهائم.</p> <p>قطعا شما حتی در قبال ..... و ..... مسؤول هستید.</p>	۱				
۱۴	<p>أی کلمة تناسب التوضیحات التالیة:</p> <p>۱- من المرفاق العامة فی الحدائق العامة &lt; دورة المياه / المستوصفات &gt;</p> <p>۲- الذي یعیش معنا فی بلاد واحدة &lt; مضياف / مواطن &gt;</p> <p>۳- ساعات العمل للموظّفين و العمال &lt; الحصة / الدوام &gt;</p>	۱/۵				
۱۵	<p>ضع فی الفراغ الصّمیر المناسب، ثمّ ترجم الجمل:</p> <table border="1"> <tr> <td>..... ما قاموا بتوزيع الهدایا.</td> <td>.....</td> </tr> <tr> <td>..... كانت تأتي بالطعام لنا.</td> <td>.....</td> </tr> </table>	..... ما قاموا بتوزيع الهدایا.	.....	..... كانت تأتي بالطعام لنا.	.....	۱/۵
..... ما قاموا بتوزيع الهدایا.	.....					
..... كانت تأتي بالطعام لنا.	.....					
۱۶	<p>الف . عین العدد الصّحيح للفراغ:</p> <p>۱- تیار الكهرباء فی ..... حجرات مقطوع. ( الثالث □ / ثلاث □ )</p> <p>۲- مئة ناقص خمسة و سبعین يساوی ..... ( خمسة و عشرين □ / عشرة و خمسين □ )</p> <p>ب. أجب عن العملیات الحسابیة:</p> <p>ثلاثة فی اثني عشر يساوی ستة و ثلاثین.</p>	۱				
۱۰						

## سوالات تستی

۱. عین الصحیح فی ترجمة الحديث الشريف التالي: «قد نقل عن اميرالمؤمنين علي (ع): إنكم مسؤولون حتى عن البقاع و البهائم.»

(متن اصلی درس صفحه ۱۳)

- ① روایت است از حضرت علی (ع): شما از زمین‌ها و حیوانات باید مراقبت نمایید.
- ② از امیر مؤمنان علی (ع) نقل شده است: همانا شما مسؤولید حتی نسبت به قطعه‌های زمین و چارپایان
- ③ از امام علی (ع) روایت شده است که شما حتی درباره‌ی همه‌ی سرزمین‌ها و همه‌ی حیوانات مسؤول نیز هستید.
- ④ در روایتی از حضرت علی (ع) نقل شده است که همه‌ی شما مسؤول هستید حتی درباره‌ی چارپایان و قطعه‌های زمین

۲. عین الصحیح فی ترجمة العبارة التالية: «المدارس و الهواتف علی الطريق و المستشفيات و المتاحف و المكتبات و الحدائق العامة و

أعمدة الكهرباء من المرافق العامة.»

(متن اصلی درس صفحه ۱۲)

- ① مدرسه‌ها و تلفن‌ها و بیمارستان‌ها و همه‌ی موزه‌ها و کتابخانه‌های عمومی و باغ‌ها و ستون‌های الکتریکی جزء تأسیسات عموم است.
  - ② مدارس و تلفن‌های در راه و بیمارستان‌ها و موزه‌ها و کتابخانه‌ها و پارک‌ها و ستون‌های برق از تأسیسات عمومی است.
  - ③ همه‌ی مدارس و تلفن‌ها و بیمارستان‌ها و موزه و کتابخانه‌ها و پارک‌ها و ستون‌های انتقال برق جزء تأسیسات عام هستند.
  - ④ مدرسه‌ها و تلفن‌های سرراه و درمانگاه‌ها و نمایشگاه‌ها و کتابخانه‌ها و پارک شهر و ستون‌های برق از تأسیسات عمومی می‌باشند.
۳. عین الترجمة الصحيحة للعبارة التالية: «سُمِّيَ من بين التلميذات قامت باطفاء مكيف الهواء و المصاييح في حجرة المدرسة و فاطمه

اغلقت حنفية الماء فقط»

(متن اصلی درس صفحه ۱۳)

- ① از میان دانش‌آموزان مدرسه سمیه تلاش کرد تا کولر و چراغ‌ها را در اتاق مدرسه خاموش کند و تنها فاطمه بود که شیر آب را بست.
  - ② سمیه از جمله دانش‌آموزان مدرسه بود که کولر و چراغ‌ها را در اتاق‌های مدرسه خاموش کرد ولی فاطمه شیرهای آب را بست.
  - ③ از میان دانش‌آموزان سمیه به خاموش کردن کولر و چراغ‌ها در اتاق مدرسه اقدام کرد و فاطمه تنها شیر آب را بست.
  - ④ در میان دانش‌آموزان تنها سمیه برخاست و کولر و چراغ اتاق‌ها را خاموش کرد و پس از او فاطمه هم شیرهای آب را بست.
۴. عین الصحیح فی ترجمة العبارة التالية: «لماذا ذهبت التلميذة الى مديرة المدرسة و اخبرتها بما وقعت في ساحة المدرسة؟»

(درستی یا نادرستی گزینه‌ها بر اساس متن درس صفحه ۱۴)

- ① برای چه بود که دانش‌آموز نزد خانم مدیر رفت و اتفاقی را که در حیاط مدرسه افتاده بود به او گفت؟
- ② چرا دانش‌آموز نزد خانم مدیر مدرسه رفت و او را از آن چه در حیاط مدرسه واقع شده بود مطلع ساخت؟
- ③ به چه دلیل آن دانش‌آموز پیش مدیر مدرسه رفت و به او اطلاع داد که در حیاط بازی چه اتفاقی افتاده است؟
- ④ چرا یکی از دانش‌آموزان دختر نزد مدیر رفت و هرچه که در حیاط مدرسه‌شان اتفاق افتاده بود را به او گفت؟

(صفحه ۱۴)

۵. عین الصحیح فی ترجمة العبارات التالية:

- ① قامت أختي من النوم في الساعة الخامسة و النصف صباحاً: خواهیم در ساعت شش و نیم صبح از خواب برخاست.
- ② جاء الرسول الأكرم (ص) بدین الحق و هو الاسلام و أسلم الناس: پیامبر اکرم (ص) دین حق را که اسلام بود آورد و مردم آن را پذیرفتند.
- ③ الجو كان امس بارداً جداً ولذا ما خرجت من البيت: امروز هوا بسیار سرد است و به این دلیل من از خانه بیرون نمی‌روم.
- ④ كانت بنتي الصغيرة تقوم بتلوين رسمها الجميل: دختر کوچکم اقدام به رنگ کردن نقاشی زیبایش می‌نمود.

(تمرین آشنایی صفحه ۱۸)

۶. عین الصحیح فی ترجمة العبارات التالية:

- ① عشرة في أربعة يساوي أربعين و أربعون زائد أربعين يساوي ثمانين:  
ده ضرب در چهار مساوی است با چهل و چهل به اضافه‌ی چهل مساوی است با هشتاد.
- ② مئة تقسيم على أربعة يساوي خمسة و عشرين و عشرون تقسيم على عشرة يساوي إثنين:  
صد تقسیم بر چهار مساوی با سی و پنج و بیست تقسیم بر ده مساوی است با دوازده
- ③ تسعة في أحد عشر يساوي تسعة و تسعين و تسعون ناقص ثلاثين يساوي ستين.  
نه ضرب در یازده مساوی است با هفتاد و هفت و نود منهای شصت مساوی است با سی.
- ④ إثنان و ثمانون تقسيم على إثنين يساوي واحداً و أربعين و أربعون ناقص عشرين يساوي عشرين.  
هشتاد و دو تقسیم بر دو مساوی است با چهل و یک و چهل با اضافه‌ی بیست مساوی است با شصت.

## ۷. عین الصحیح و الدقیق فی ترجمة العبارات التالية:

- ① اليوم الخامس من إتام الأسبوع يوم الأربعاء: روز چهارم از روزهای هر هفته روز چهارشنبه است.
- ② تأخذ الفائزة الأولى جائزة ذهبية من يد الإمبراطور: برندهی اول جایزه‌ای طلائی از دست امپراطور می‌گیرد.
- ③ الحنفية أبواب لفتح تيار الماء و إغلاقه: شیر آب یک لوله‌ی طولانی برای جریان یافتن آب است.
- ④ الإقتراح إعطاء حلّ و بیان طريقة للقيام بعمل: پیشنهاد دادن یعنی حل کردن مسأله و روشن کردن راهی برای انجام کاری

(ف. ترجمه صفحه ۱۶)

## ۸. عین الصحیح فی ترجمة العبارة التالية: «قامت جدّتی بتوزيع الهدايا على البنين و البنات في حفلة ميلادی»

- ① مادرم هدیه‌ها را به پسران و دختران شرکت کننده در جشن تولدم داد.
- ② مادربزرگم هدیه‌هایی را به مناسبت جشن تولد من میان دختران و پسران تقسیم کرد.
- ③ پدرم برخاست و هدیه‌ها را به پسران و دختران میهمان در جشن تولد من داد.
- ④ مادربزرگم اقدام به تقسیم کردن هدیه‌ها بین پسران و دختران در جشن تولدم نمود.

## ۹. عین الصحیح فی ترجمة العبارة التالية: «الأساتذة دخلوا في الصفوف، كلّ واحد منهم في صفّه الخاصّ و قام الطلّاب احتراماً لهم و

(ف. ترجمه صفحه ۱۶)

سلموا عليهم»

- ① اساتید وارد کلاس‌ها شدند، هر یک از آنان در کلاس ویژه‌ی خود و دانش‌آموزان به خاطر احترام گذاشتن به آنان از جای برخاستند و به آنان سلام کردند.
- ② استادان داخل کلاس‌هایشان شدند و هر یک در کلاس خاصی وارد شد و سپس دانشجویان به خاطر احترام هم از جا بلند شدند و هم سلام کردند.
- ③ معلمان وارد کلاس‌ها شدند و هر یک در کلاس خاص وارد شد و دانش‌آموزان هم به خاطر احترام به آنان بر تک‌تک ایشان سلام کردند.
- ④ مدرسان وارد کلاس شده و هر یک در کلاس خاص رفتند و پس از آن دانش‌آموزان برای گرمی داشت مدرسانشان بلند شده و به آنان سلام کردند.

(ف. ترجمه صفحه ۱۶)

## ۱۰. عین الصحیح فی ترجمة العبارة التالية:

- ① سمیة قامت من مکانها و قالت لمعلمتها أتعلمين أن مكيف الهواء لا تعمل؟  
سمیه از جایش برنخاست و تنها از معلم این سؤال را کرد که آیا می‌دانید که کولر کار نمی‌کند؟
- ② قامت سمیه بكتابة لوحة جدارية مكتوب عليها حديث شريف عن النبي (ص):  
سمیه اقدام به نوشتن یک روزنامه دیواری کرد که بر روی آن حدیثی از پیامبر نوشته بود.
- ③ تأتي رقيّة الى مديرة المدرسة و تسألها عن سؤال مهمّ لما ثمّ نشكر المديرية:  
رقیه نزد مدیر مدرسه آمد و از او درباره‌ی سؤال مهمی که داشت پرسش کرد و پس از تشکر از او جدا شد.
- ④ قالت المدرسة اليوم أتيت بكتابين لكنّ حول كيفية المحافظة على المرافق العامة:  
معلم گفت امروز دو کتاب را برای شما درباره‌ی چگونگی نگهداری از تأسیسات عمومی آورده‌ام.

(ف. ترجمه صفحه ۱۶)

## ۱۱. عین الخطأ فی ترجمة العبارات التالية:

- ① الجوّ حارّ جداً فمتى يأتي الخريف؟ هوا خیلی گرم است پس کی پاییز می‌آید؟
- ② نقوم عن قريب باستلام جوائزنا من يد الرئيس: ما به زودی اقدام به گرفتن جایزه‌هایمان از دست رئیس می‌کنیم.
- ③ ذهبنا الى بيت صديقنا و جاء بالطعام اللّذيد لنا: به خانه‌ی دوستان رفتیم و غذای خوشمزه برایمان آورد.
- ④ متى دخلت جدّتنا المنزل قام جميع أفراد الأسرة للإحترام بها: چه وقت مادربزرگ وارد منزل شد که همه‌ی خانواده برای احترام گذاشتن به او از جایشان برخاستند؟

(صفحه ۱۱۴)

## ۱۲. عین الصحیح فی استعمال العدد:

- ① هذا كتاب واحد حول القصص المفيدة
- ② ذلك رجل واحدة يجيئ الينا
- ③ هناك امرأتان اثنتان في السيارة
- ④ جاء بهدا الصندوق عاملان اثنتان

(صفحه ۱۱۴)

## ۱۳. عین الخطأ فی استعمال العدد:

- ① أبواب ثلاث عشرة غرفة مغلقة
- ② تيار الكهرباء في أربعة حجات مقطوع
- ③ في الاصطاف الصباحي وقفنا عشرة صفوف
- ④ في مدرستا عشر مكثفات

(صفحه ۱۱۴)

## ۱۴. عین الخطأ فی المعدود:

- ① اشاهد في السماء ثمانية عشر كوكباً منيراً
- ② تلك خمسون نافذة و أولئك عشرون رجلاً ينظرون منها
- ③ عندي مئة تمثال جميل من العلماء الكبار
- ④ في هذا الصف تسع و عشرون كرسيّاً للتلاميذ

۱۵. عین الخطأ في الكلمة التي تحتها خطأ في كل عبارة:

(صفحة ۱۸)

- ① عشرة في ثلاثة يساوي ثلاثين (في: ضربدر)  
② خمسة زائد سبعون يساوي خمسة و سبعين (زائد: به اضافه‌ی)  
③ تسعون ناقص أربعين يساوي خمسين (ناقص: باضافه)  
④ ستة تقسيم على إثنين يساوي ثلاثة (تقسيم)

۱۶. عین الصحيح في الكلمات التي تحتها خطأ في كل عبارة:

(صفحة های ۱۵۱ و ۱۵۲)

- ① «إنّ هذا أخي له تسع و تسعون نعجة» (گاو)  
② أنبوب لفتح تيار الماء و إغلاقه (جریان)  
③ أخذ ذلك الفائز جائزة فضیة (طلا)  
④ ليست من الفندق حجرة فارغة (خانه)

۱۷. عین الخطأ للفراغين: «شاهدت في شارعنا ..... طالبات و .....»

(سوالی انسانے ۸۰)

- ① عشر/إثنتین طالب  
② سبع/ طالباً واحداً  
③ خمس/ طالبین إثنين  
④ ثمانی/ طالبتین إثنين

۱۸. عین الصحيح للفراغين: «شاهدت في الصورة خمس ..... و .....»

(سوالی ریاضے ۸۰)

- ① ثلث - حيتین إثنين  
② حیات/ ثلثین  
③ دیک/ ثلث واحد  
④ طیور/ واحدة حية

۱۹. عین الخطأ للفراغين: «طالعت ..... صحف و .....»

(سوالی تجزیے ۸۰)

- ① أربع/ کتابین إثنين  
② أربع/ كتب  
③ ثلاث/ کتابین  
④ خمس/ کتاباً واحداً

۲۰. عین الصحيح للفراغ: «في قريتنا أكثر من ..... معلّمت و ..... معلّمين»

(سوالی ریاضے ۸۲)

- ① سبع/ خمسة  
② اثنتین/ أربعة  
③ ستة/ سبعة  
④ ثلاث/ اثنتین

۲۱. أكمل الفراغ بالكلمة المناسبة: «على المكتب كتاب واحد و كرّاسة .....»

(إلزامی ریاضے ۸۱)

- ① واحد  
② واحد  
③ واحدة  
④ واحدة

۲۲. عین الخطأ:

(سوالی زبان ۸۲)

- ① ليس هناك ثلاثة كتب.  
② كنت أقرأ كل يوم عشر صفحات.  
③ إن في كل صفحة تمرينين اثنين.  
④ حاولت لاخذ خمس بطاقة السفر.

۲۳. «صَحَّحْتُ في الصفحة ..... في السطر ..... الخطأ .....» عین الصحيح للفراغات:

(سوالی ریاضے ۸۶)

- ① الحادية عشرة/ الخامس/ العاشر  
② أحد عشر/ الخمسة/ العشر  
③ حادی عشر/ الخمس/ عشرة  
④ حادية عشر/ الثلاث/ الاثنان

۲۴. «حفظت دروسی في ..... أيام و ..... لبال، فأصبحت ..... الرابعة في الصف» عین الخطأ للفراغات:

(سوالی تجزیے ۸۶)

- ① سبعة/ ثمانی/ الناجحة  
② أربعة/ خمس/ التلميذة  
③ ثلاثة/ أربع/ الطالبة  
④ ثمانية/ تسع/ الطالب

۲۵. «لحدیقتنا تاسع شجرات من الرمان و الثامن منها غرسها أبي نفسها» عین الصحيح للأخطاء:

(سوالی خارج از کشور ۸۹)

- ① تسع - الثامنة - نفسه  
② التاسع - الثامنة - منه  
③ شجرة - ثمانية - غرسه  
④ التاسعة - رمان - غرسهم

۲۶. عین الصحيح:

(سوالی هنر ۸۹)

- ① سيرجع أبي بعد الشهر الخمسة من السفر.  
② كتبت هذه المقالة في العام الثاني.  
③ أصيب بمرض فلم يذهب إلى المدرسة سبع أيام.  
④ عملنا من الكتاب التمرين الثانية.

٢٧. عَيِّن الصَّحِيح:

(سراسري خارج از کشور، ٩)

- ١) كان ساكنو ذلك البيت سبعة أفراد.  
٢) توصل البنتان الثانية دروسهما في الجامعة.  
٣) ويعمل الإبن الثالث في مختبر يختبر المحاصيل المختلفة  
٤) و الأمّ تُوَلِّف كتباً في أربعة مجالات، منها: الهندسة!

٢٨. عَيِّن الخطأ:

(سراسري تجرید- ٩١)

- ١) هناك ثلاثة كتب لم أقرأها حتى الآن!  
٢) طالعت المقالة الثامنة لهذا العالم!  
٣) حضرت الطالبة الرابعة أيضاً في الصف!  
٤) خرج أحد عشر تلميذاً من المدرسة!

٢٩. عَيِّن ما ليس فيه العدد الترتيبي:

(سراسري خارج از کشور، ٩)

- ١) راجعت إلى المكتبة خمس مرّات لأخذ كتاباً خاصاً؛  
٢) وأخيراً جئت بالكتاب إلى البيت في المرّة السادسة!  
٣) فبدأت بقراءته مرتين ولكنّي ما فهمته حتى في المرّة الثانية؛  
٤) و بعد أن تأملت فيه كثيراً و في المرحلة العاشرة، فهمته جيّداً!

٣٠. عَيِّن الجواب الصَّحِيح للسؤال التّالي: «هل ذهبت إلى مشهد من قبل؟»

(صفحة ١٧)

- ١) نعم، ما ذهبت الى مشهد من قبل  
٢) نعم، ذهبت إلى مشهد لزيارة الإمام الرضا ثامن الأئمّة  
٣) لا، ذهبت إلى الكويت و الباكستان  
٤) لا، أنا من العراق و ذهبت الى مشهد للزيارة

(صفحة ١٧)

٣١. عَيِّن الخطأ في المحاورات التّالية:

- ١) مساء الخير يا حبيبي؟ صباح النور يا عزيزي؟  
٢) كم عمرك يا صديقي؟ عمري سبعة عشر عاماً  
٣) هل حضرتك من الهند؟ نعم انا من راولبندى  
٤) كم مرّة جئت الى النّجف الأشرف؟ جئت اليها مرتين

(التمرين السادس صفحہ ٢٠)

٣٢. في أيّ عبارة لا يناسب الضمير الفعل الموجود فيها؟

- ١) أنتم لاتندمون  
٢) نحن ما عملنا  
٣) أنت تطعين  
٤) أنت طلبت

(التمرين الخامس صفحہ ١٩)

٣٣. عَيِّن الكلمة التي تملأ الفراغ الموجود في العبارة التالية: «أنزل العاملون البضائع و ..... السيّارة»

- ١) رصيف  
٢) خمسين  
٣) حجرة  
٤) فرغت

٣٤. عَيِّن المرادفين بين الأجوبة التالية:

- ١) فارغ = مُغلق  
٢) جدّ = جدّة  
٣) تشجيع = تشويق  
٤) ذهبيّة = فضيّة

(صفحة ١٣: ١٩١٨)

٣٥. عَيِّن المضادّين في الأجوبة التالية:

- ١) زائد ≠ ناقص  
٢) موظّف ≠ عامل  
٣) نشاط ≠ تحرّك  
٤) عندئذٍ ≠ حينئذٍ

(التمرين الثالث صفحہ ١٩)

٣٦. إملا الفراغ بالكلمة المناسبة في العبارة التالية: «أخذت الفائزة الثانية جائزة فضيّة و الفائزة ..... جائزة ذهبيّة»

- ١) الأوّل  
٢) الأوّل  
٣) الثالثة  
٤) الرّابعة

(التمرين الرابع، صفحہ ١٩)

٣٧. عَيِّن مفهوم العبارة التالية في كلمة واحدة: «ساعات العمل للموظّفين و العمال»:

- ١) الهاتف  
٢) الحنفيّة  
٣) الإقتراح  
٤) الدّوام

(التمرين الخامس صفحہ ١٩)

٣٨. إملا الفراغ في العبارة التالية بالكلمات التالية: «علينا بالعبور من ..... إلى رصيف آخر من ممرّ المشاة»

- ١) الهدوء  
٢) رصيف  
٣) خمسين  
٤) حجرة

(التدريب: الثامن، صفحہ ۳۵)

۳۹. أي كلمة من الكلمات في الأجابة تناسب العبارة التالية: «ألذى يعيش معنا فى وطن واحد»

- ① شعب ② مَواطن ③ مرافق عامّة ④ مضياف

(التدريب: التاسع، صفحہ ۳۶)

۴۰. عَيّن العدد الصحيح للفرغ فى العبارة التالية: «لى زميلان إثنان و زميلتان .....

- ① واحد ② ثلاثة ③ اثنان ④ أربعة

(متن: درس صفحہ ۳۷ و صفحہ ۳۳)

۴۱. عَيّن الصحيح فى معنى اللّغات الّتى تحتها خطّ:

- ① لِم و كيف ذلك واجب الذّولة: چگونه  
② من یرمى النّفايات فى غير مكانها الأصلی: زباله  
③ عشرة فى عشرة يساوى مئة: ضرب در  
④ «.....يقولون خمسة سادسهم كلبهم: پنجمی

(التدريب: التاسع، صفحہ ۳۶)

۴۲. ضع المعدود الصحيح فى العبارة التالية: «أربعة ..... واقفون امام باب المنظّمة للحفاظ عليها»

- ① جنديّ ② عسكريّ ③ جنود ④ شرطیّ

اقرأ النصّ التالى بدقّة ثمّ أجب عن الأسئلة (۴۶ - ۵۰) بما يناسب النصّ:

«اهتمّ الإسلام بنظافة الطعام فقد أمر بنظافة إناء (ظرف) الطعام و غسله عدّة مرّات كما أمر بعدم ترك الطعام و الشراب مكشوفين حتّى لا یصل إليهما الغبار و الحشرات و من أهمّ انواع النظافة نظافة مصادرالمياه كمياه الأنهار و الآبار فقد شدّد الإسلام على عدم تلويثها بالقاء القذارة و النجاسة فيها.

و دعا الاسلام إلى نظافة المساكن و الشوارع و كلّ أرجاء المدينة فيمنع إلقاء القذارة او جمعها فى البيوت او تركها فى الشوارع و الإسلام يجعل النظافة جزءاً من العبادة ألا ترى ان الدخول فى الإسلام يستلزم الطّهارة و الغسل قبل النطق بالشهادتين.»

۴۳. عمّا يمتنعنا الإسلام حول الطعام؟

- ① نظافة إناء الطعام ② غسل الطعام مرّات فى اليوم ③ ترك الطّعام مكشوفاً ④ ترك الطّعام فى الطّريق

۴۴. كيف نحافظ على نظافة المياه؟

- ① نلقى القذارة فى الأنهار ② نحترز عن إلقاء النّجاسة فى الآبار  
③ نهتمّ بغسل اليدين قبل أىّ عمل ④ نُضيف اليها مادة الكُكّر

۴۵. يدعو الاسلام إلى نظافة ما؟ عَيّن الخطأ: «الإسلام يدعو إلى نظافة .....

- ① مصادر المياه ② إناء الطعام ③ كلّ أرجاء المدينة ④ كلّ شىءٍ نشاهده

۴۶. عَيّن الخطأ حسب النصّ:

- ① النظافة من الإسلام  
② الدخول فى الإسلام يستلزم الطهارة و النظافة  
③ يدعو الاسلام كلّ انسان إلى النظافة  
④ الشخص الذى يريد الدخول فى الإسلام يتنظف جسمه ثم ينطق بالشهادتين

۴۷. عَيّن الفعل الماضى من الافعال التالية:

- ① اهتمّ ② تستلزم ③ يشدّد ④ أسلم

- الف. ۱. روز (السادس: ششم) از روزهای هفته روز پنجشنبه است.  
 ۲. فصل (الثالث: سوم) در سال ایرانی فصل پاییز است.  
 ب)  $11 = 89 - 100$

۱. أنتِ ... : تو فریاد نمی زنی. ۲. هی... اومی انداخت.  
 ۳. أنتن... : شما نیافتید. ۴. أنتم ... : شما پنهان خواهید کرد.

۱. اثنان : دو برادر و دو خواهر دارم.  
 ۲. عشرَة : دانش آموزان مدرسه‌ی ما در ده کلاس درس می خوانند.  
 ۳. بیست و چهار به اضافه ی سی و یک برابر است با ... < خمسةً وخمسين : پنجاه و پنج  
 ۴. پنج سرباز اطراف میدان ایستاده‌اند.

۱. أَلْف : قطعاً نوح را به سوی قومش فرستادیم پس در میان آنان هزار سال، جز پنجاه سال (نهد و پنجاه سال) اقامت کرد.  
 ۲. المِشاة : بر ماست که از گذرگاه پیاده عبور کنیم.  
 ۳. الرّصيف: پیاده رو کناره ای از خیابان برای عبور مردم است.  
 ۴. فارغة: در هتل اتاقی خالی نیست.

### پاسخ سوالات تشریحی که دشوارتر

- الف) می گویند: (تعداد) آنان هفت نفر (بوده‌اند) که هشتمین آن‌ها سگ آن‌هاست. (ای پیغمبر!) بگو: پروردگار من به تعداد آن‌ها دانانتر است؛ (تعداد) آن‌ها را کسی نمی‌داند مگر اندکی.  
 ب) دانش‌آموزی که به انجام تکالیف خود در ساعت درسی می‌پردازد نیاز به زنگ درسی تقویتی ندارد.  
 ج) آیا می‌دانی که کلاغ بیست تا سی سال یا بیشتر زندگی می‌کند؟  
 د) مدیر از دانش‌آموزان در صف (مراسم) صبحگاهی بخاطر توجه آنها به تأسیسات عمومی تشکر کرد.

- ۱- شیر (آب) ۲- ساعت کار (درسی)  
 ۳- پیشنهاد ۴- نگهداری از

الف - ۱

ب- ... قطعه‌های زمین و چارپایان ...

- ۱- از تأسیسات عمومی در پارک‌ها: < دورة المیاه : سرویس بهداشتی  
 ۲- کسی که با ما در یک کشور زندگی می‌کند < مَواطنین: شهروند، هم‌میهن  
 ۳- اوقات کار کارمندان و کارگران < الدَّوام: ساعت کار

هم	آن‌ها به پخش هدیه‌ها نپرداختند.
هی	او برای ما غذا می آورد.

- الف. ۱- ثلاث ۲- صد منهای (-) هفتاد و پنج برابر است با < خمسةً وعشْرین : بیست و پنج  
 $3 \times 12 = 36$   
 ب.

### پاسخ سوالات تشریحی

- الف) همانا من بازده ستاره و خورشید و ماه را سجده کنان برای خود (در حالی که برایم سجده می‌کردند) دیدم ...  
 ب) تأسیسات عمومی همان مکان‌هایی هستند که دولت مالک آن‌ها می‌باشد، و مردم همگی از آنها بهره می‌برند.  
 ج) آیا با زبانی خوش نصیحت نمی‌کنید کسی را که زباله‌ها را در غیر جای ویژه اش پرت می‌کند؟  
 د) آیا می‌دانی که مورچه می‌تواند چیزی را حمل کند که بیش از پنجاه برابر وزنش است؟  
 ه) زباله‌ها را مانند هموطنانی که احساس مسئولیت می‌کنند، در غیر مکانش پرت نمی‌کنیم.  
 و) دانش‌آموز کسی است که وارد کتابخانه‌ی مدرسه می‌شود و آرامش را در آن حفظ می‌کند.  
 ز) خواهر کوچکم به رنگ‌آمیزی نقاشی زیبایی می‌پرداخت.

- الف. ۱. البِقاع: قطعه‌های زمین/البهائم: چارپایان / لَوْحَة : تابلو/ اقتراح: پیشنهاد ۲. مِضیاف: مهمان‌دوست / سِینَة: شش.  
 ب. ۱. باز کردن ≠ بستن ۲. شهر = شهر

- الف. مدیر و بعضی از معلمان ... ۱. منتظر می شدند که مدرسه از دانش‌آموزان خالی شود.  
 ب. ۱. بیش‌تر مادران هر روز برای خانواده اقدام به پختن غذا می‌کنند.  
 ج. ۲. سگ می‌تواند صدای ساعت را از فاصله‌ی چهل قدم بشنود.  
 د. ۲. سن پدر بزرگم هشتاد و شش سال است.

۴. ... موزه‌ها و کتابخانه‌ها ... پیاده رو ... تأسیسات (اموال) ...

۵. سمیه صدای کولر را از یکی از اتاقها شنید، و چراغ‌ها را از پنجره‌ها دید، پس گمان کرد که دانش‌آموزان کلاس دیگر در زنگ تقویتی هستند یا فعالیتی آزاد انجام می‌دهند؛ و هنگامی که به دقت نگاه کرد اتاق را خالی یافت. کوشید در را باز کند پس آن را بسته یافت، به سوی مدیر مدرسه رفت و او را از آنچه دیده بود با خبر کرد. مدیر از او خواست که چراغ‌ها و کولر را خاموش کند. در این هنگام مدیر دانش‌آموزی به اسم فاطمه را نیز دید که برای بستن شیر آبی که اندکی بازی بود، رفت. و در روز بعد، مدیر در صف صبحگاهی از آن دو بخاطر اهمیت دادنشان به اموال عمومی تشکر کرد.

۱. مدیر خودش برای خاموش کردن چراغ‌ها و کولر رفت. (خطا)  
 ۲. سمیه گمان کرد که در کلاس دانش‌آموزانی هستند ولی آن خالی بود. (صحیح)  
 ۳. مدیر دانش‌آموزی را که برای بستن شیر می‌رفت، دید. (صحیح)  
 ۴. مدیر در صف صبحگاهی از همه ی دانش‌آموزان تشکر کرد. (خطا)

۶. ۱. اقدام به کاری با جنب و جوش و سرعت. النّشاط: فعالیت (چالاکي)  
 ۲. وسیله‌ای برای انتقال صداها از جایی به جایی دیگر. < الیهاتف: تلفن  
 ۳. آن را می‌گوییم هنگام تشویق کسی که کاری را خوب انجام داده است. < أَحْسَنْتَ : آفرین  
 ۴. در مسابقات جایزه‌های طلائی می‌گیرد. < الفائز الأول : برنده ی نخست



## پاسخ سوالات تست

۱.

گزینه ۲

نقل: نقل شده است - روایت شده است / عن-از - از طرف - نسبت به / إنَّ: همانا - هر آینه / حتَّى: حتی / البقاع: قطعه‌های زمین (جمع: البقعة) / البهائم: چارپایان (جز درندگان) جمع (البهیمه) / در گزینه‌ی «۱» (روایت است - حتی: ترجمه نشده است - باید - مراقبت نمایند) و در گزینه‌ی «۳» (که - همه - حیوانات - نیز) و در گزینه‌ی «۴» (در روایتی - همه - چارپایان پیش از قطعه‌های زمین «آمده است» نادرست است).

۲.

گزینه ۲

الهواتف جمع الهاتف: تلفن‌ها / علی الطريق: بالای راه - در راه / المتاحف جمع المتحف: موزه‌ها / الحوادث العامة: پارک‌ها / أعمدة: ستون‌ها، جمع «عمود» / الكهرباء: برق - الكتریسیته / المرافق: تأسیسات. در گزینه‌ی «۱» (همه - باغ‌ها - الکتریکی) و در گزینه‌ی «۳» (همه - انتقال) و در گزینه‌ی «۴» (درمانگاه‌ها - نمایشگاه‌ها) نادرست است.

۳.

گزینه ۳

من بین التلمیذات: از میان دانش‌آموزان / قامت باطفاء: به خاموش کردن اقدام کرد / مكیف الهواء: کولر / أغلقت: بست / حنفيّة الماء: شیر آب

در گزینه‌ی «۱» (دانش‌آموزان مدرسه - تلاش کرد) و در گزینه‌ی «۲» (دانش‌آموزان مدرسه بود که - اتاق‌های - ولی) و در گزینه‌ی «۴»: (تنها - برخاست - پس از او) نادرست است.

۴.

گزینه ۲

لماذا: چرا - برای چه / مديرة المدرسة: (خانم) مدیر مدرسه / أخبرتها: او را باخبر کرد - او را مطلع کرد / ما وقعت: آن چه اتفاق افتاده بود  
در گزینه‌ی «۱» (بود که - اتفاقی - به او - گفت) و در گزینه‌ی «۳» (به چه دلیل - آن - که) و در گزینه‌ی «۴» (یکی - از دانش‌آموزان - هر چه - که - مدرسه‌شان) نادرست است.

۵.

گزینه ۴

كانت...تقوم به...: اقدام به ... می‌نمود / بنتی الصغیرة: دختر کوچکم / تلوين: رنگ کردن / رسم: نقاشی  
در گزینه‌ی «۱» (شش و نیم) و در گزینه‌ی «۲» (که - بود - آن را - پذیرفتند) و در گزینه‌ی «۳» (امروز - است - نمی‌روم) نادرست است.

۶.

گزینه ۱

عشرة: ده / فی ضرب در / أربعة: چهار / يساوی: مساوی است / بأربعین: چهل / أربعون: چهل / ثمانین: هشتاد  
در گزینه‌ی «۲» (سی و پنج - دوازده) و در گزینه‌ی «۳» (هفتاد و هفت - منهای شصت) و در گزینه‌ی «۴» (باضافه‌ی و شصت) نادرست است.

۷.

گزینه ۲

تأخذ: می‌گیرد / الفائزة الأولى: برنده‌ی اول / من ید: از دست /

۸.

گزینه ۴

قامت ...بنا اقدام به ... کرد / توزيع: تقسیم - تقسیم کردن / البنین: پسران جمع «بن» / حفلة: جشن / میلاد: تولد  
در گزینه‌ی «۱» (مادرم - داد - شرکت کننده) و در گزینه‌ی «۲» (هدیه‌هایی - به مناسبت) و در گزینه‌ی «۳» (پدرم - برخاست - و - میهمان) نادرست است.

۹.

گزینه ۱

الأستاذة: اساتید - استادان - معلمان - مدرستان / الصفوف: کلاس‌ها / کل واحد منہم: هر یک از آنان / احتراماً لهم: به خاطر احترام به آنان / سلموا علیهم: به آنان سلام کردند  
در گزینه‌ی «۲» (کلاس‌هایشان - کلاس خاصی - سپس - هم) و در گزینه‌ی «۳» (کلاس خاص - هم - تک تک) و در گزینه‌ی «۴» (کلاس - رفتند - پس از آن - مدرسانشان) نادرست است.

۱۰.

گزینه ۴

قالت: گفت / المدرسة: معلم / اليوم: امروز / آئیت: بنا را آوردم / لکن: برای شما / حول: درباره‌ی / کیفیت: چگونگی / المحافظة علی المرافق العامة: نگهداری تأسیسات عمومی  
در گزینه‌ی «۱» (برنخاست - تنها - می‌دانید) و در گزینه‌ی «۲» (روزنامه - نوشته بود) و در گزینه‌ی «۳» (آمد - پرسش کرد) نادرست است.

۱۱.

گزینه ۴

ترجمه‌ی درست گزینه‌ی «۴» به صورت: (وقتی مادر بزرگمان وارد خانه شد همه‌ی افراد خانواده برای احترام به او برخاستند) است. گزینه‌های «۱» و «۲» و «۳» از نظر ترجمه درست‌اند.

۱۲.

گزینه ۱

عددهای ۱ (واحد - واحدة) و ۲ (اثنان - اثنتین - اثنتان / اثنتین) بعد از یک اسم می‌آیند و از نظر مذکر و مؤنث بودن با آن مطابقت می‌کنند. لذا گزینه‌ی «۱» (کتاب واحد) درست است.  
در گزینه‌ی «۲» (رجل واحد) و در گزینه‌ی «۳» (امراتان اثنتان) و در گزینه‌ی «۴» (عاملان اثنان) درست است.

۱۳.

گزینه ۲

وقتی کلمه‌ای مؤنث را بخواهیم با عددهای ۳ تا ۱۰ بشمریم عدد باید به صورت مذکر باشد و صورت صحیح گزینه‌ی «۲» (أربع حجرات) است. در گزینه‌ی «۱» (ثلاث عشرة) و در گزینه‌ی «۳» (عشرة) و در گزینه‌ی «۴» (عشر) درست به کار رفته‌اند.

۱۴.

گزینه ۴

هرگاه یکان عدد از عددهای ۳ تا ۱۰ باشد از نظر جنس باید مخالف جنس معدود باشد یعنی صحیح این گزینه به صورت (تسعة و عشرون کرسیاً) است.

در گزینه‌ی «۱» (یکان عدد (ثمانیة) مخالف جنس معدود (کوکباً) و درست است و گزینه‌ی «۲» (عددهای خمسون و عشرون (عشرون - ثلاثون - اربعون - خمسون - ستون تا تسعون) از نظر مذکر و مؤنث با معدود خود فرقی ندارد.

و در گزینه‌ی «۳» (عدد ۱۰۰ (مئة) معدودش مفرد است و از نظر جنس هم با آن فرقی ندارد.

۱۵.

گزینه ۳

زیرا کلمه‌ی ناقص) به معنای (منهای) است نه (باضافه‌ی) گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» درست است.

۱۶.

گزینه ۲

کلمه‌ی (تیار) به معنای (جریان) است. در گزینه‌ی «۱» (میش) و در گزینه‌ی «۳» (نقره‌ای) و در گزینه‌ی «۴» (هتل) درست است.

گزینه ۴

چون (ایام) مذکر و (لیال) مؤنث است عدد اول باید مؤنث و عدد دوم باید مذکر باشد (ثمانیة/ تسع) باشد که درست است ولی کلمه‌ی (الطالب) چون مذکر است با (الرابعة) مطابقت ندارد و نادرست است. در حالی که در گزینه‌های «۱» و «۲» و «۳» عددهای اول مؤنث‌اند (سبعة - اربعة - ثلاثة) و عددهای دوم مذکر- اند (ثمانی - خمس - اربع) و کلمه‌های سوم (الناجحة - التلميذة - الطالبة) چون مؤنث‌اند با (الرابعة) مطابقت دارند.

گزینه ۱

در عدد اول (تاسع) چون قصدمان شمردن است لذا باید از عددهای شمارشی که مذکر هم باشد (چون معدود «شجرات و مؤنث است) استفاده کنیم و عدد دوم (التامن) چون اشاره به (شجرات) دارد که مؤنث‌اند این عدد هم که ترتیبی است باید به صورت مؤنث (الثامنة) باشد و در کلمه‌ی (نفسها) هم باید از ضمیر مذکر (نفسه) استفاده کنیم چون به (أبی) برمی‌گردد. در گزینه‌ی «۲» (التاسع - منه) و در گزینه‌ی «۳» (شجرة - ثمانية - غرسه) و در گزینه‌ی «۴» (التاسعة - رمان - غرسهم) نادرست‌اند.

گزینه ۲

چون عدد (الثانی) جزء اعداد ترتیبی است هم باید هم جنس با (العام) باشد و هم باید بعد از آن واقع شود. در گزینه‌ی «۱» باید (الشهر الخامس) و در گزینه‌ی «۳» باید به صورت (سبعة ایام) و در گزینه‌ی «۴» باید (الثانی) گفته شود.

گزینه ۱

چون (افراد) مذکر است عددش که بین عددهای (۳ تا ۱۰) است (سبعة: هفت) باید مؤنث بیاید. در گزینه‌ی «۲» چون عدد ترتیبی است باید با معدود هم جنس و هم تعداد (الثانیتان) باشد و در گزینه‌ی «۳» باید به صورت (الابن الثالث) باشد و در گزینه‌ی «۴» باید به صورت (أربعة) باشد چون می‌خواهیم (مجالات) را بشمریم و عددمان از (۳ تا ۱۰) است /

گزینه ۱

یا چون عدد (ثلاثة) جزء اعداد ترتیبی است باید اولاً بعد از معدود (کتب) و ثانیاً هم جنس با آن باشد (کتب ثلاثة) و یا به صورت ثلاثة کتب درست است.

نکته‌ی مهم! برای صفت آوردن اگر کلمه‌ای جمع غیرانسان بود آن را به صورت مفرد مؤنث محسوب می‌کنیم!

در گزینه‌ی «۲» چون عدد ترتیبی است (الثامنة) هم بعد از معدود (المقالة) و هم، هم جنس با آن و درست است و در گزینه‌ی «۳» نیز چون عدد ترتیبی است هم بعد از معدود (الطالبة) و هم مؤنث است (الرابعة) و درست است و در گزینه‌ی «۴» چون عدد شمارشی است و جزء اعداد (۱۱ تا ۹۹) است معدودش (تلمیذاً) باید مفرد باشد که هست و درست است.

گزینه ۱

عدد ترتیبی وقتی است که عدد بر وزن (فاعل - فاعلة) باشد و عدد (السادسة) عددی ترتیبی است. در گزینه‌ی «۱» کلمه‌ی (خمس) عدد شمارشی و اصلی است و در گزینه‌ی «۲» عدد (السادسة) و در گزینه‌ی «۳» عدد (الثانية) و در گزینه‌ی «۴» عدد (العاشرة) عدد ترتیبی هستند.

گزینه ۲

پاسخ عبارت مثبت باید با «نعم» و مثبت باشد و لذا گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴» که منفی هستند، نادرست‌اند.

گزینه ۱

سؤال (عصر بخیر دوستم) با جوابش (صبح بخیر عزیزم) نامناسب است و نادرست در گزینه‌های «۲» و «۳» و «۴» بین سؤال و جواب تناسب وجود دارد.

۱۷

گزینه ۱

۱ (واحد - واحدة) و ۲ (اثنان - اثنتان - اثنین - اثنتین) بعد از معدود واقع می‌شود و صورت صحیح گزینه‌ی «۱» (طالب واحد) می‌شود. گزینه‌ی «۲» عدد هفت (سبع) مخالف جنس (طالبات) و عدد (واحداً) هم بعد از اسم و هم، هم جنس با اوست. و در گزینه‌های «۳» و «۴» اولاً عددهای (خمس - ثمانی) مخالف جنس معدود خود هستند و هم عددهای (اثنین - اثنتین)، هم جنس با معدود خود هستند و هم بعد از آن واقع می‌شوند.

گزینه ۲

زیرا معدود عددهای (۳ تا ۱۰) که عدد (خمس) جزء آن‌هاست هم مخالف جنس معدود خود هستند و هم معدود آن‌ها باید جمع باشد. در گزینه‌های «۱» و «۳» (تعلب - دیک) باید به صورت جمع باشند و در گزینه‌ی «۴» هم (واحدة حیة) باید به صورت (حیة واحدة) باشند.

گزینه ۲

کلمه‌ی (کتب) چون عطف شده است به (أربع) و (أربع) هم آخرش منصوب با فتحه (ـ) است باید به صورت (کتباً) باشد. در گزینه‌های «۱» و «۳» و «۴» جزء اول باید مذکر باشد، چون معدود و مؤنث است که درست‌اند (أربع - ثلاث - خمس) یعنی مذکرند و قسمت دوم یعنی (کتابین) کتابین - کتاباً واحداً) هم باید به صورت فتحه‌دار باشند که هستند.

گزینه ۱

در نقطه‌چین اول چون معدود مؤنث است (معلمات) عدد باید مذکر باشد (سبع) و در نقطه‌چین دوم هم چون معدود (معلمین) مذکر است، عدد باید مؤنث باشد که هست (خمسة). در گزینه‌ی «۲» قسمت اول (اثنتین) نادرست است و باید اولاً بعد از (معلمات) بیاید و ثانیاً با (معلمات) از نظر تعداد هم‌خوانی ندارد و در گزینه‌ی «۳» قسمت اول (ستة) باید مخالف جنس (معلمات) و به صورت مذکر (ست) باشد و در گزینه‌ی «۴» قسمت دوم (اثنین) به دو دلیل ایراد دارد هم باید بعد از معدود باشد و هم باید از نظر تعداد با آن یکی باشد.

گزینه ۳

به مناسبت این که عدد ما (۱ و ۲) است باید بعد از معدود (کراسة) باشد و علاوه بر آن باید هم جنس با آن باشد (مؤنث). گزینه‌های «۱» و «۲» باید مؤنث باشند (واحدة) و گزینه‌ی «۴» باید آخرش (ـ) باشد.

گزینه ۴

وقتی عدد، جزء عددهای (۳ تا ۱۰) است که در این جا عدد (خمس) است باید معدودش جمع باشد (بطاقات). در گزینه‌های «۱» و «۲» چون عددها (ثلاثة - عشر) جزء اعداد (۳ تا ۱۰) هستند معدودشان باید جمع باشد که درست‌اند و در گزینه‌ی «۳» چون عدد، جزء اعداد (۲ و ۱) است یعنی (اثنین) باید هم بعد از معدود و هم جنس با او باشد (تمرینین)

گزینه ۱

عددهای به کار رفته در گزینه‌ی «۱» جزء اعداد ترتیبی هستند. (الحادية عشرة: یازدهم - الخامس: پنجم - العاشر: دهم) و اعداد ترتیبی هم باید بعد از معدود خود باشند و هم باید با آن هم جنس باشند. در گزینه‌ی «۲» هر سه گزینه چون عدد ترتیبی نیستند اشتباهند و در گزینه‌ی «۳» عدد اول (حادی عشر) باید به صورت (الحادية عشرة) باشد و عددهای دوم (الخمس) و سوم (عشرة) چون ترتیبی نیستند اشتباه‌اند. و در گزینه‌ی «۴» هم عدد اول چون نکره است و جزء دومش هم مذکر است نادرست است و درست آن «الحادية عشرة» است و عددهای دیگر (الثلاث - الاثنان) هم چون ترتیبی نیستند نادرست‌اند.

۲۴

۲۵

۲۶

۲۷

۲۸

۲۹

۳۰

۳۱

۳۲.

گزینه ۴

ضمیر (أنت) با فعل (طلبت) تناسب دارد نه با فعل (طلبت). در گزینه‌های «۱» و «۲» و «۳» ضمائر با افعال مناسبت دارند.

۳۳.

گزینه ۴

(انزل العالمون البضائع ففرغت السيارة = کارگران کالاها را پیاده کردند پس ماشین خالی شد). گزینه‌های «۱» و «۲» و «۳» نادرست‌اند.

۳۴.

گزینه ۳

دو کلمه‌ی (تشجیع و تشویق) مترادف هستند. و گزینه‌ی «۲» (جدّ - جدّة) متضادند و بقیه‌ی گزینه‌ها نه مترادف‌اند و نه متضاد.

۳۵.

گزینه ۱

دو کلمه‌ی (زائد و ناقص) با هم متضادند. گزینه‌های «۲» و «۳» و «۴» مترادف‌اند.

۳۶.

گزینه ۲

(برنده‌ی اوّل جایزه‌ای طلائی را گرفت). گزینه‌ی اول به دلیل مذکر بودن نادرست است و گزینه‌های «۲» و «۳» به دلیل معنی نادرست‌اند؛ زیرا (برنده‌ی سوم و چهارم) جایزه‌ی طلائی را نمی‌برند.

۳۷.

گزینه ۴

کلمه‌ی «الدوام» به معنای (ساعت کار) برای کارمندان و کارگران است. در گزینه‌ی «۱» کلمه‌ی (الهاتف = تلفن) و در گزینه‌ی «۲» (الحنفیّة = شیر آب) و در گزینه‌ی «۳» (الاقتراح = پیشنهاد) است.

۳۸.

گزینه ۲

(علینا بالعبور من رصیف إلى آخر من ممر المشاة: ما باید از پیاده‌رو تا آخر گذرگاه پیاده عبور کنیم)

۳۹.

گزینه ۱

گزینه‌ی «۱» (آرامی) و گزینه‌ی «۳» (پنجاه) و گزینه‌ی «۴» (اتاق) برای تکمیل نقطه‌چین درست نیستند.

۳۹.

گزینه ۲

کلمه‌ی (مواطن = هم وطن) مساوی است با عبارت (الذی يعيش معنا فی وطن واحد = کسی که با ما در یک وطن زندگی می‌کند) گزینه‌ی «۱» (ملت) و گزینه‌ی «۳» (تأسیسات عمومی) و گزینه‌ی «۴» (همان دوست) معنای عبارت داده شده را ندارند.

۴۰.

گزینه ۳

برای تکمیل این عبارت به عدد مؤنث دو یعنی (اثنتان) نیاز داریم زیرا معدود ما (زمیلتان) اسم مثنای مؤنث است. لذا گزینه‌ی «۱» (واحد) و گزینه‌ی «۲» (ثلاثة: سه) و گزینه‌ی «۴» (أربعة: چهار) نادرست‌اند.

۴۱.

گزینه ۳

کلمه‌ی (فی) در عبارت گزینه‌ی «۳» به معنای (ضرب در) و اصطلاحی ریاضی است. در گزینه‌ی «۱» (برای چه - چرا) و در گزینه‌ی «۲» (زباله‌ها) و در گزینه‌ی «۴» (ششمی) درست است.

۴۲.

گزینه ۳

بعد از عددهای (۳ تا ۱۰) معدود باید به صورت جمع باشد. گزینه‌های «۱» و «۲» و «۴» که همگی مفرد هستند نادرست‌اند.

ترجمه‌ی متن: اسلام به تمیزی غذا توجه کرده است. و به تمیزی ظرف غذا و چند بار شستن آن دستور داده است همان گونه که به رها نکردن غذا و نوشیدنی به صورت روباز دستور داده است تا گرد و غبار و حشرات به آن‌ها نرسد. و از مهم‌ترین انواع تمیزی، تمیزی منابع آب - ها مانند آب‌های رودها و چاه‌هاست چه اسلام بر آلوده نساختن آن‌ها با انداختن کثافت و نجاست در آن‌ها تأکید کرده است.

و اسلام به تمیزی خانه‌ها و خیابان‌ها و همه‌ی بخش‌های شهر فرا خوانده است و از انداختن کثافت یا جمع کردن آن در خانه‌ها یا رها ساختن آن در خیابان‌ها منع می‌کند. و اسلام تمیزی را بخشی از عبادت قرار می‌دهد آیا نمی‌بینی که داخل شدن در اسلام مستلزم پاکی و شست‌وشو (غُسل) پیش از نطق کردن به شهادتین است.

۴۳.

گزینه ۳

پرسش این است که «اسلام از چه چیز درباره‌ی غذا ممانعت می‌کند؟» و جواب آن گزینه‌ی «۳» است: «رها کردن غذا به صورت روباز»

۴۴.

گزینه ۲

برای محافظت از تمیزی آب‌ها «از انداختن نجاست در چاه‌ها پرهیز کنیم». گزینه‌ی «۱» (نجاست را در رودها می‌اندازیم) و گزینه‌ی «۳» (به شستن دست‌ها پیش از هر کاری توجه می‌کنیم) و گزینه‌ی «۴» (به آن‌ها ماده‌ی کلر می‌افزاییم) نادرست است.

۴۵.

گزینه ۴

اسلام به تمیزی (منابع آب‌ها = گزینه‌ی «۱») و تمیزی (ظرف غذا = گزینه‌ی «۲») و تمیزی (همه‌ی بخش‌های شهر) دعوت می‌کند ولی به تمیزی آن چه مشاهده می‌کنیم دعوت نمی‌کند.

۴۶.

گزینه ۳

بر طبق متن گزینه‌ی «۳» (اسلام هر انسانی را به تمیزی فرا می‌خواند) درست نیست ولی گزینه‌های «۱» (نظافت از اسلام) و گزینه‌ی «۲» (ورود در اسلام ملازم می‌باشد با پاکی و تمیزی) و گزینه‌ی «۴» (شخصی که می‌خواهد وارد اسلام شود بدنش را قبل از نطق به شهادتین تمیز می‌کند) درست‌اند.

۴۷.

گزینه ۴

گزینه‌های «۱» و «۲» و «۳» چون حرف آخرشان ضمه دارد و حرف اولشان همزه یا (ت) و یا (ی) است مضارعند ولی فعل آخر (أسلم) چون حرف آخرش مفتوح است ماضی است.